

# اصول بنیادی نظارت بر یک نظام بانکداری کارآ

اگر نظارت بر هر کاری "لازم" باشد، بر بانکداری حتماً "واجب" است، و یک نظام نظارتی موفق هم باید شرایطی را داشته باشد تا بتواند مؤثر واقع شود. بنابراین، شرایط اولیه برای نظارت بر یک بانکداری کارآ را به شرح زیر فهرست می‌کنیم:

(۱) یک سیستم کارآی نظارت بر بانکداری، باید مسوولیت‌های مشخص و هدف‌های روشنی را برای همه مؤسسات درگیر یا سازمان‌های ناظر بر بانکداری داشته باشد. بدیهی است که چنین مؤسسه‌ای، باید دارای عملیاتی مستقل و منابع کافی و مناسب باشند. البته یک چارچوب قانونی مناسب برای نظارت بانکی نیز لازم است. این چارچوب مشتمل است بر مقررات مربوط به اعطای اختیار به سازمان‌های بانکی و نظارت بر عملیات آنها، به نحوی که قوانین به‌درستی و با اطمینان اجرا شوند و عوامل نظارتی هم از حمایت قانونی لازم برخوردار باشند. ضمناً باید ترتیبی داده شود که همه عوامل نظارتی ذریب‌به اطلاعات مربوطه دسترسی داشته باشند و اطلاعات هم به صورت محرمانه و محفوظ باقی بماند.

(۲) دامنه فعالیت‌های مجاز مؤسسه‌ای که دارای پروانه کار می‌باشند و به‌عنوان بانک مورد نظارت واقع می‌شوند، باید به روشنی تعریف شود و استفاده از عبارت "بانک" باید با وسواس و دقت کافی همراه باشد.

(۳) منبع موثق مجاز باید حق داشته باشد که ملاک‌ها و میزان‌های مورد عمل مناسب را تعیین کند و با بنگاه‌هایی که استانداردها را رعایت نمی‌کنند، برخورد نماید. هم‌چنین، فرآیند مجاز،

حداقل باید مرکب باشد از ارزیابی ساختار مالکیت سازمان‌های بانکی، رؤسا و مدیران ارشد، طرح عملیاتی آنها و کنترل‌های داخلی سازمان، و وضع مالی برنامه‌ریزی شده.

(۴) ناظران بانکی می‌بایست اختیار تجدیدنظر و عدم قبول هرگونه پیشنهاد برای انتقال سهم مالکیت یا کنترل منافع در بانک‌های موجود به شرکای دیگر را داشته باشند.

(۵) ناظران بانکی می‌بایست اختیار داشته باشند که معیارهای لازم برای تجدیدنظر در کسب سرمایه پایه یا سرمایه‌گذاری‌ها را وضع کنند و مطمئن شوند که نهادها و مؤسسات وابسته، بانک را در معرض خطرات بی‌مورد قرار ندهند یا موجب اختلال در عملیات نظارت نخواهند شد.

**\* دامنه فعالیت‌های مجاز مؤسسات و بانک‌ها باید به‌درستی روشن باشد و در استفاده از عبارت "بانک" هم باید دقت و وسواس کافی به کار رود.**

(۶) ناظران بانکی می‌بایست حداقل سرمایه مکفی و مناسب مورد نیاز بانک‌ها را به‌نحو هوشمندانه‌ای تعیین کنند. مسلماً چنین مقرراتی باید ریسک‌هایی را که بانک‌ها به‌عهده دارند، منعکس کنند و ضمن تعیین اجزای سرمایه، توانایی سرمایه برای جبران خسارات احتمالی را نیز در نظر داشته باشند.

(۷) ارزیابی سیاستگذاری بانک‌ها هم یکی از قسمت‌های اساسی در هر سیستم نظارتی است که راه و روش‌های مربوط به اعطای وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ناشی از آن و مدیریت جاری وام را شامل می‌شود.

(۸) ناظران بانکی هم‌چنین باید متقاعد شوند که بانک‌ها هواخواه برقراری سیاست‌های مناسب برای اعمال روش‌های ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و تناسب شرایط مطالبات سوخت‌شده و ذخایر مطالبات سوخت‌شده می‌باشند یا خیر.

**\* نظار بانکی باید مراقبت کنند که راه و روش‌های مناسب و دقیقی در بانک‌ها جریان داشته باشد، چون این امر استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی والایی را رواج می‌دهد و از سوءاستفاده خرافکاران جلوگیری به‌عمل می‌آورد.**

(۹) نظار بانکی باید متقاعد شوند که بانک‌ها دارای آنچنان سیستم‌های اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به تشخیص تمرکز بیشتر سرمایه‌ها می‌نماید. علاوه بر این، نظار باید معیارهای مناسب و مصلحت‌آمیزی را وضع کنند تا گرایش‌های بانک را در برابر تک‌تک وام‌گیرندگان یا گروه‌های وام‌گیرندگان وابسته محدود کند.

(۱۰) ناظران بانکی می‌بایست به‌منظور



جلوگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از ارتباطات و امدهندگان، مقرراتی را وضع کنند که بانک‌ها براساس توانایی و امکانات واقعی اینگونه شرکت‌ها و افراد وام اعطا کنند.

۱۱) نظار بانک باید متقاعد شوند که بانک‌ها دارای سیاستگذاری مناسب و نحوه تشخیص، هدایت و کنترل ریسک‌های انتقال آن به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اعطای وام بین‌المللی می‌باشند و برای چنین ریسک‌هایی ذخایر مناسبی را نگهداری می‌کنند.

۱۲) ناظران بانک باید اطمینان حاصل کنند که بانک‌ها دارای سیستم‌های کارایی هستند که ریسک‌های بازار را به‌درستی اندازه‌گیری کرده و به‌خوبی هدایت و کنترل می‌نمایند. نظار باید دارای قدرتی باشند که چنانچه لازم دیدند، محدودیت‌های خاصی و / یا هزینه سرمایه‌ای مخصوصی را بر روی ریسک‌های آشکار بازار وضع و برقرار کنند.

۱۳) نظار بانک باید متقاعد شوند که مدیریت بانک‌ها دارای درک کلی ریسک می‌باشند و از توانایی لازم برای تشخیص، اندازه‌گیری، هدایت و کنترل همه موارد دیگر برخوردارند و می‌توانند سرمایه را در مقابل ریسک‌ها حفاظت کنند.

۱۴) ناظران بانک باید تعیین کنند این واقعیت باشند که بانک‌ها دارای کنترل‌های داخلی متناسب با طبیعت و میزان بازرگانی‌شان می‌باشند. بدیهی است که این کنترل‌ها باید شامل مدیریت‌های صحیح برای تفویض مسوولیت و اختیار، چگونگی وظایفی که بانک را متعهد می‌سازند، پرداخت دایم صندوق‌ها و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌های بانک، مغایرت این اعمال (مراحل) با موضوع حفظ دارایی‌های بانک و

حسابرسی خارجی و داخلی مستقل و مناسب باشند.

۱۵) نظار بانک باید تعیین کنند که بانک‌ها سیاستگذاری‌های مناسبی داشته باشند و دارای راه و روش‌هایی مناسب و دقیق برای شناخت مشتری باشند. بدیهی است که این امر در بخش مالی، استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی و الایی را رواج می‌دهد و از اینکه بانک به‌وسیله عوامل خلافکارانه طور عمدی یا سهوی مورد سوء استفاده واقع شود، جلوگیری به‌عمل می‌آورد.

۱۶) یک سیستم نظارت بانک کارآ باید هم نظارت داخل محل کار و هم نظارت بر خارج از آن را دربرگیرد.

**\* ناظران بانک باید به‌گونه‌ای مناسب اطمینان حاصل کنند که نهادها و مؤسسات وابسته به یک بانک، خطرآفرینی نخواهند کرد و مانع عملیات نظارتی هم نخواهند شد.**

۱۷) نظار بانک باید با مدیریت بانک تماس مستمر داشته باشند و عملیات مؤسسه را عمیقاً درک کنند.

۱۸) ناظران بانکی باید استطاعت جمع‌آوری، بسازینی و تجزیه و تحلیل گزارش‌های احتیاطی و عملکردهای آماری را به‌شکل جداگانه یا تلفیقی داشته باشند.

۱۹) ناظران بانک باید بتوانند بر اطلاعات به‌طور مستقل نظارت داشته باشند و اطلاعات مزبور را تأیید کنند.

۲۰) توانایی نظار برای هدایت گروه بانکی

تلفیق شده هم یک عامل اساسی در نظارت بانکی است.

۲۱) نظار بانک باید متقاعد شوند که هر بانک رویدادهای مالی خود را برطبق روش‌های پیوسته حسابداری به ثبت رسانده و نگهداری می‌کند. بدیهی است که این دفاتر، ناظر را قادر می‌سازند که از شرایط مالی بانک و سودآوری عملیاتش و واقعی بودن صورت حساب‌های انتشاریافته اطمینان حاصل کند.

۲۲) ناظران بانک باید به‌منظور تصحیح کار بانک‌ها، قدرت اجرایی کافی داشته باشند و حتی بتوانند در صورت عدم رعایت مقررات بانک با در صورت عدم رعایت حقوق سپرده‌گذاران، مجوز بانکداری بانک متخلف را لغو کنند یا حداقل اجازه پیشنهاد لغو آن را داشته باشند.

۲۳) نظار بانک باید بر سازمان‌های بانکی که فعالیت بین‌المللی دارند، نظارت هماهنگ بین‌المللی داشته باشند. بدیهی است که برای این هدف رعایت معیارهای احتیاطی مناسب از سوی همه جوانب دست‌اندرکار این نوع معاملات، که به‌وسیله سازمان‌های بانکی جهانی اداره می‌شوند، ضروری است.

۲۴) اجازه و توانایی برقراری تماس و مبادله اطلاعات با ناظران دیگری که درگیر این کار می‌باشند (به‌خصوص در مورد اختیارات نظارت در کشور میزبان) یکی دیگر از اجزای کلیدی نظارت ترکیبی است.

۲۵) ناظران بانک باید مقرر کنند که عملیات شعب و نمایندگی بانک‌های خارجی با همان استانداردهای بالای بانک‌های وطنی اداره شوند و همچنین، می‌باید توانایی لازم برای آرایه اطلاعات مورد نیاز به ناظران بومی و به‌منظور اعمال نظارت یکپارچه این بانک‌ها را داشته باشند. ■

